

سلسلہ دروس خارج

اصول فقہ

مبحث وضع

(اقام وضع)

جلسہ :

۸۸

تاریخ :

۹ / ۱ / ۲۷

وضع خاص
موضوع له عام

؟

وضع عام
موضوع له خاص

بحث امروز

وضع عام
موضوع له عام

امکان دارد

وضع خاص
موضوع له خاص

امکان دارد

وضع عام
موضوع له خاص

✓ کلام مرحوم آخوند

✓ تقریر مرحوم مروّج از نظر آخوند

✓ نقد کلام مرحوم مروّج

✓ بیان اشکال حضرت امام نسبت به کلام مرحوم مروّج

آنچه تا به حال
خوانده ایم

تقریر مرحوم قوچانی از نظر مرحوم آخوند

مفهوم کلی از «مفهوم جزئی»، حکایت نمی کند

اما

مفهوم کلی از «وجودات جزئی خارجی» حکایت می کند

در «وضع عام؛ موضوع له خاص»:

اولاً: مفهوم کلی تصور می شود

ثانیاً: لفظ بر وجودات مصادیق (و نه مفاهیم مصادیق) قرار داده می شود.

آنچه در «عالم خارج» است، وجود خارجی است
از این وجود خارجی، مفاهیم مختلف انتزاع می شود
(مانند مفهوم زید، انسان، حیوان ..)

مفهوم انسان و مفهوم زید با هم مغایر هستند. ولی هر دو وجود واحدی در عالم خارج دارند

حال اگر مفهوم انسان تصور شد (وضع عام):

ممکن است لفظ بر «همان مفهوم» گذاشته شود = موضوع له : مفهوم کلی

و ممکن است بر «وجود انسان» گذاشته شود = موضوع له : وجود خارجی این مفهوم
(نه مفهوم زید یا وجود زید اگرچه وجوداً با مفاهیم دیگر - مثل مفهوم زید - متحد باشد.)

نکته مهم:

در صورت دوم، «موضوع له» دارای هیچ مفهومی نیست و صرفاً «ناظر به وجود خارجی» است

خصوصیت «معنای حرفی» :

لفظ مفهومی ندارد

ولی معنا (مقصود و موضوع له) دارد که ناظر به وجود خارجی است

وضع حروف :

- مثلاً معنای «ابتداء» تصور می شود

- لفظ «من» برای «وجودات خارجی ابتداء» قرار داده می شود.

- اگر «من» را مبتدا قرار دادید، باید برای آن معنای اسمی (مفهوم) فرض کنیم.

- اگر مراد مرحوم قوچانی همین است که سخن ما «تکمیل» بود

- اگر مرادشان آن است که لفظ برای وجود زید و عمرو (ونه وجود انسان در خارج) قرار داده می

شود : سخن ما «تصحیح» بود.

اشکال :

لفظ، مورد استعمال واقع می شود.

در استعمال باید معنی، «لحاظ» شود (اراده استعمالیه)

لحاظ، محتاج مفهوم است.

«وجودات» غیر از «مفاهیم» هستند.

نتیجه : اگر موضوع له لفظ، «وجود خارجی» باشد، لفظ، مفهوم ندارد و قابل استعمال نیست.

ما می گوئیم :

استعمالات دو گونه است:

(۱) گاهی استعمال مفاهیم است : در این صورت باید مفاهیم (معانی) **لحاظ** شوند.

(۲) گاهی استعمال ادوات است : لذا وقتی می گوئیم حروف **ایجاد** هستند، به این معنی است که

حروف در کلام وجود ربط ایجاد می کند.

اشکال دوم آیت الله وحید بر تقریر مرحوم قوچانی

معانی الفاظ، دو گونه اند:

- گاه موجود می شوند (زید هست)

- و گاه معدوم هستند (زید نیست)

در حالیکه اگر لفظی (مثلا الف) برای «وجود خارجی» بود، باید همیشه گفت: «الف موجود است»
چراکه وجود همیشه موجود است.

ما می گوئیم:

اگر لفظی مفهوم «لا بشرط از وجود و عدم» داشت، حق همین است

ولی در دو صورت، لفظ قابل وجود و عدم نیست:

(۱) اگر لفظی مفهوم نداشت (مثل حروف)

(۲) یا مفهوم بشرط وجود خارجی داشت (لفظ برای زید به قید وجود وضع شده باشد)

مفهوم کلی ، لحاظ اجمالی وجودات خارجی (مصادیق آن مفهوم کلی) نیست!

دلیل : اتحاد وجود کلی با مصداق نمی تواند باعث مرآتیت شود.

دو شاهد :

(۱) جنس و فصل با هم متحد وجودی هستند ولی بر هم حمل نمی شوند.

(۲) ابوت با اب، متحد وجودی هستند ولی بر هم حمل نمی شوند. (ابوت اب است، غلط است)

ما می گوئیم :

(۱) این کلام ، تکرار اصل مدعی است

چراکه می فرماید اتحاد وجودی نمی تواند باعث لحاظ اجمالی شود.

(۲) مثال های زده شده، ربطی به بحث ندارد.

در فرض ایشان : «دو مفهوم» است و «یک وجود»

فرض ما : سخن درباره «مفهوم انسان» و «وجود انسان» است

- (۱) **مقصود از وضع** : تفهیم و انتقال به معنی است.
- (۲) موضوع له، وقتی دارای معنا است که مفهوم داشته باشد.
- (۳) اگر موضوع له، وجود خارجی یا وجود ذهنی باشد، **معنا ندارد**.

ما می گوئیم :

اولا : غرض از وضع، واحد نیست:

(۱) گاهی «**تفهیم و انتقال به معنی**» است

(۲) گاهی «**ایجاد ادوات**» است اگرچه دارای معنی نباشد.

ثانیا : اینکه لفظ مفهوم نداشته باشد، به معنای آن نیست که **معنی** نداشته باشد. بلکه ما با شنیدن

این لفظ می فهمیم که مراد «**مصدق خارجی این کلی**» است.